



## تحلیل علاقه اشخاص با اموال فکری و چگونگی ایجاد آن با رویکرد تطبیقی

حامد خویباری<sup>۱</sup>، مریم شهسواری پور<sup>۲</sup>

۱- دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه اصفهان

۲- دانشجوی کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی بندرعباس

### چکیده

ماده ۲۹ قانون مدنی علاقه اشخاص با اموال را به دو قسم حق و مالکیت محدود کرده و آنگونه که از بند نخست ماده پیداست؛ متعلق مالکیت به عین و منفعت محدود شده است. هرچند امروزه در مال بودن دستاوردهای فکری بشر تردید جدی‌ای وجود نداشته و این محصولات در تمامی نظام‌های حقوقی مورد حمایت قانونگذار قرار می‌گیرند؛ اما همچنان نزاع‌ها درباره ماهیت این اموال ادامه دارد. شناسایی ماهیت اموال فکری در تحلیل علاقه افراد با این اموال مفید خواهد بود. همانطور که گفته شد رابطه حقوقی افراد با اموال به حق و مالکیت منحصر شده است. چنانچه علاقه فرد با محصول فکری او را مالکیت بدانیم، اموال فکری را می‌توان در عقود تملیکی به عنوان مورد معامله جعل کرد و در غیر اینصورت باید آنها را موضوع سایر اقسام عقود دانست. از نظر نگارنده اموال فکری را می‌توان در زمره اموال اعتباری و رابطه دارنده را با این محصولات از قبیل مالکیت دانست. **واژگان کلیدی:** رابطه حقوقی، اموال فکری، عقد تملیکی، عقد عهدی.



#### مقدمه

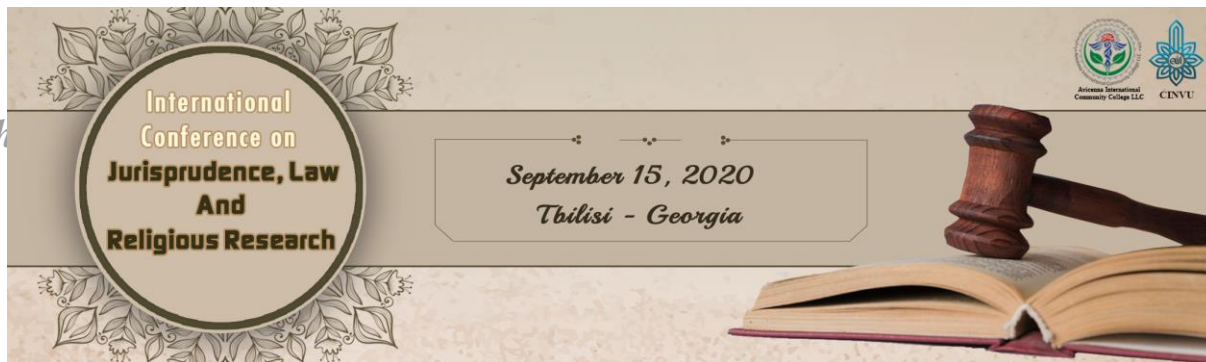
فلاسفه، عالم عقل یا معنا را در برابر عالم ماده قرار داده و آن را ظرف موجوداتی می‌دانند که مجرد تام هستند (طباطبایی، ۱۳۸۶). اموالی که در حقوق موضوع اعمال و وقایع حقوقی قرار می‌گیرند نیز ممکن است مظلوف عالم ماده یا عالم معنا باشند. برای مثال اعیان معین همگی مظلوف عالم ماده و اموال فکری و یا اعیان کلی در ذمه، مظلوف عالم عقل هستند. از همین رو فقها ظرف ذمه را اختراع عقل و ماهیت آن را ماهیتی اعتباری می‌دانند و نه واقعی (صدر، ۱۳۷۹). از آن چه گفته شد تفاوت اموال معنوی و اموال فکری روشن می‌شود. در حقیقت مفهوم اموال معنوی اعم از اموال فکری و سایر اموالی است که ظرف آنها عالم اعتبار می‌باشد. با وجود این تفاوت بسیاری از حقوق‌دانان بر این همانی این دو مفهوم اصرار داشته و هر دو را به یک معنا تعریف کرده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۴ و شیروی، پنداشته‌پور، ۱۳۹۴).

نخستین تلاش برای معرفی اموال فکری به سال ۱۹۶۷م و کنوانسیون تاسیس سازمان جهانی مالکیت فکری باز می‌گردد. بند ۸ ماده ۲ این کنوانسیون با ذکر هشت مصداق به عنوان اموال فکری، معیار پذیرش یک اثر به عنوان مال فکری را نوآورانه و ناشی از فعالیت فکری بودن دانسته است.<sup>۱</sup> با توجه به این تعریف بسیاری از حقوق‌دانان اموال فکری را به دو شاخه ادبی یا هنری و صنعتی یا تجاری تقسیم کرده‌اند (صالحی ذهابی، ۱۳۸۸ و WIPO<sup>۲</sup>, 2016). در حقوق ایران و در قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم و نام‌های تجار مصوب ۱۳۸۶ به نوع اخیر اموال فکری و فصل اول قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب سال ۱۳۴۸ به نوع نخست معطوف است. تفاوت این دو نوع مال در نحوه حمایت از آنهاست. حمایت از اموال صنعتی در حقیقت حمایت از خود ایده و راه حل موجود است؛ اما حمایت از اموال ادبی و هنری، حمایت از نوع و شکل بیان ایده هاست. به همین دلیل در آثار صنعتی علی‌القاعده افشا و ثبت لازم بوده اما در آثار ادبی بروز آن کفایت می‌کند (WIPO, 2016).

هرچند امروزه کمتر نظام حقوقی و حقوق‌دانی با موجودیت اموال فکری مخالف است؛ اما نباید پنداشت که اعتبار اموال فکری بین محققان کاری ساده و فاقد چالش بوده است. جهت شناخت میزان سختی روند پذیرش فرآورده‌های فکری به عنوان مال همین نکته کافی است که هنوز مال فکری به صورت جامع و مانع تعریف نشده و تمامی قوانین به ذکر مصادیقی از آن بسنده کرده‌اند. نکته قابل توجه آنکه مخالفان این گونه از اموال اساساً فرآورده‌های فکری را بلاموضوع دانسته و با آن مخالفت کرده‌اند (خمینی، ۱۳۸۵). این نظر به خصوص از سوی فقها قابل پذیرش نیست؛ چراکه فقیه در مقام افتا نمی‌تواند تعیین مصداق کند و باید به صدور حکم کلی بسنده نماید (عاملی، ۱۴۰۰ق). اغلب محققان نیز تعیین مصداق برای مفهوم مال را به عهده عرف دانسته‌اند (پیلوار، ۱۳۹۷). برخی دیگر از مخالفان معتقدند فرض رابطه بین انسان و فرآورده‌های فکری بی‌معنا بوده و مال تنها به موردی اختصاص دارد که وجود خارجی داشته باشد. استدلال ایشان بر این محور استوار است؛ که استفاده اشخاص جامعه مانع استفاده خالق اثر نشده و از آن رو که تصرفات آنها مانع الجمع نیستند؛ فرض مالیت بر فرآورده‌های فکری لازم نیست (Hettinger, 1989). بی اعتباری این ایده در فقه امامیه و

<sup>1</sup>. Convention Establishing the World Intellectual Property Organization.

<sup>2</sup>. WIPO a (World Intellectual Property Organization).



حقوق ایران که مال کلی در ذمه را اعتبار کرده‌اند، روشن است. علاوه بر این پذیرش اموال فکری به عنوان مال در فقه بی سابقه نیست؛ چنانکه نزدیک به دو قرن پیش یکی از فقهای معاصر داده و اطلاعات را مال و قابل معامله دانسته است (رشتی، ۱۳۱۶ق).

علی‌رغم آنچه گفته شد آراء حقوقدانان راجع به ماهیت و البته ارتباط حقوقی اشخاص با این نوع از اموال بسیار مضطرب است؛ تا جاییکه می‌توان گفت تحقیق منسجمی تا کنون در این رابطه ارائه نشده است. در نوشتار حاضر سعی می‌شود تا ماهیت اموال فکری و همچنین نوع علاقه بین اموال فکری و اشخاص تبیین شود. با تبیین رابطه اشخاص با اموال فکری خواهیم دید که آثار عملی بسیاری بر شناسایی این رابطه بار می‌شود؛ هرچند بررسی آثار آن از موضوع این نوشتار خارج است. در این راستا ابتدائاً ماهیت اموال فکری را تحلیل کرده و متخصصان این نوع از اموال را با ویژگی‌های مال از نگاه حقوقدانان و فقها انطباق خواهیم داد. پس از تبیین ماهیت اموال فکری رابطه اشخاص با اموال فکری را مورد تحلیل و مطالعه قرار خواهیم داد.

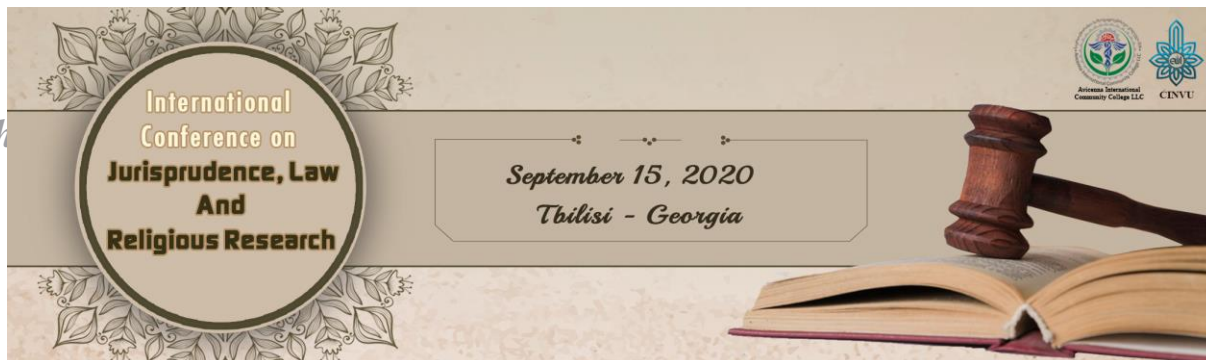
### ۱. ویژگی‌های مال و ماهیت اموال فکری

مباحث بسیاری راجع به ماهیت مال مطرح شده است؛ به ویژه این پرسش بنیادین که آیا مال اساساً مفهومی اعتباری است یا امری واقعی و خارجی؟ این مسئله سبب شده است تا حقوقدانان در تمامی نظام‌های حقوقی بحث‌های جالبی را راجع به شاخصه‌های مال مطرح کنند. برای مثال یکی از این ویژگی‌ها در اغلب نظام‌ها کم‌یابی یا منحصر به فرد بودن مصرف است؛ اما اموال فکری با توجه به اعتباری بودن آنها به نظر لایتناهی بوده و مهمتر آنکه در آن واحد تمامی افراد جامعه می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. در ابتدا ویژگی‌های اموال را بررسی کرده و آن شاخصه‌ها را با ماهیت اموال فکری تطبیق خواهیم داد.

#### ۱.۱ ویژگی‌های مال

در فقه اسلامی مشهور فقها برای مال انگاشتن چیزی، وجود دو شرط را لازم می‌دانند؛ یکی منفعت عرفی داشته باشد و دوم آنکه آن منفعت مورد نهی شارع قرار ننگرفته باشد (انصاری، ۱۴۱۹ق). ماده ۲۱۵ قانون مدنی ایران نیز برگرفته از همین برداشت است؛ چراکه برای مورد معامله قرار گرفتن، مالیت داشتن را شرط کرده است. به این ترتیب در فقه امامیه و حقوق ایران لزومی برای جسم بودن مال وجود ندارد. در مقابل و در حقوق کامن‌لا، پذیرفته شدن اشیاء غیرمادی به عنوان مال با چالش‌های بسیاری روبرو بوده است. بسیاری از فلاسفه حقوق کامن‌لا اموال غیرمادی را امری موهوم نامیده (Waldron, 2002) و یا مباحث مربوط به مالکیت را تنها مربوط به اشیاء خارجی دانسته‌اند (Harris, 1996). امروزه اما کشورهای نظام کامن‌لا هر کدام به نحوی اموال فکری را به رسمیت شناخته و مورد حمایت خود قرار داده‌اند. لازم به ذکر است که مال در حقوق کامن‌لا مفهومی پیچیده بوده و لزوماً با کالا همسان نیست. با مطالعه ماده ۵ قانون فروش کالا<sup>۳</sup> می‌توان چنین برداشت کرد که کالا در حقوق انگلستان تنها به اموالی اطلاق می‌شود که چنانچه وجود یابند، قابل

<sup>3</sup>. Sale of Goods Act (1979).



لمس و تصرف خواهند بود. این ماده کالاها را به کالای موجود<sup>۴</sup> و آینده<sup>۵</sup> تقسیم کرده است که شباهت بسیاری با تعریف عین در فقه امامیه و تقسیم عین به معین و کلی دارد.<sup>۶</sup> مال اما برخلاف کالا مفهومی گسترده داشته و از همین رو امروزه شامل اموال فکری نیز می‌شود. در حقوق انگلستان معیارهایی برای شناسایی مال وجود دارد که مهم‌ترین آنها کمیاب بوده و قابل تبدیل شدن با پول می‌باشد (LeFevre, 1971). هرچند در نگاه نخست منابع اموال فکری فراوان به نظر می‌رسد؛ اما تعمق در این بحث نشان می‌دهد حقوق انحصاری مربوط به آثار هنری جدید تکالیف بسیاری را بر سایر افراد مبتکر ایجاد می‌نماید. به همین دلیل اصالت ایده و اثر را از ملزومات حمایت از مال فکری برشمرده‌اند (پیلوار الف، ۱۳۹۴).

## ۱. ۲ ماهیت اموال فکری

با توجه به مطالب فوق ایرادی جهت مال انگاری فرآورده‌های فکری در نظام‌های حقوقی ایران، کامن لا و فقه امامیه وجود ندارد. مسئله بعدی آن است که اموال فکری آیا مصداق جدیدی از اموال به شمار می‌روند یا می‌توان آنها را از جنس مصادیقی همچون عین یا منفعت دانست؟ توضیح آنکه بعضی حقوقدانان در تقسیم بندی اموال گاهی آنها را به عین، منفعت و حق مالی منحصر کرده (کاتوزیان، ۱۳۸۴) و برخی دیگر تا پنج مورد به عنوان مصادیق مال برشمرده‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸). در حقوق کامن لا اموال را به محسوس و غیرمحسوس تقسیم بندی کرده و محسوسات را منحصر در اشیاء (کالا)<sup>۷</sup> و زمین می‌دانند (Murphy et all, 2004). نکته قابل توجه تمایز بین شیء و مال<sup>۸</sup> در نگاه حقوقدان‌های کامن لا است. توضیح آنکه در کشورهای کامن لا برای مال دانستن یک شیء، باید حتماً متعلق رابطه با شخص باشد و در غیر اینصورت عنوان مال به آن صدق نخواهد کرد (Black's Law Dictionary, 2004). به این ترتیب اموال فکری نمی‌توانند در زمره اشیاء قلمداد شوند. در ادامه خواهیم دید که در حقوق ایران نیز عین اخص از مال بوده و شباهت بسیاری با شیء در حقوق انگلستان دارد. به هر رو در مورد ماهیت اموال فکری نظرهای گوناگونی مطرح شده و برخی از حقوقدانان اموال فکری را از انواع عین، گروهی منفعت و بعضی حق دانسته‌اند. این نظرات در بندهای جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) عین بودن. به عقیده برخی از حقوقدانان اموال فکری را می‌توان نوعی عین به شمار آورد. ایشان از آن رو که رابطه اشخاص با اموال را منحصر در حقوق عینی و دینی می‌دانند؛ لاجرم و به دلیل نبودن سه عنصر در ارتباط اشخاص با اموال فکری این نوع اموال را از موارد عین معین دانسته‌اند (میرحسینی، ۱۳۹۱). این استدلال (انحصار رابطه اشخاص با اموال در حق عینی و دینی) نه تنها با تعریف مشهور فقها از عین (اذا وجد فی الخارج کان جسماً خوی، ۱۳۷۷ق) در تعارض

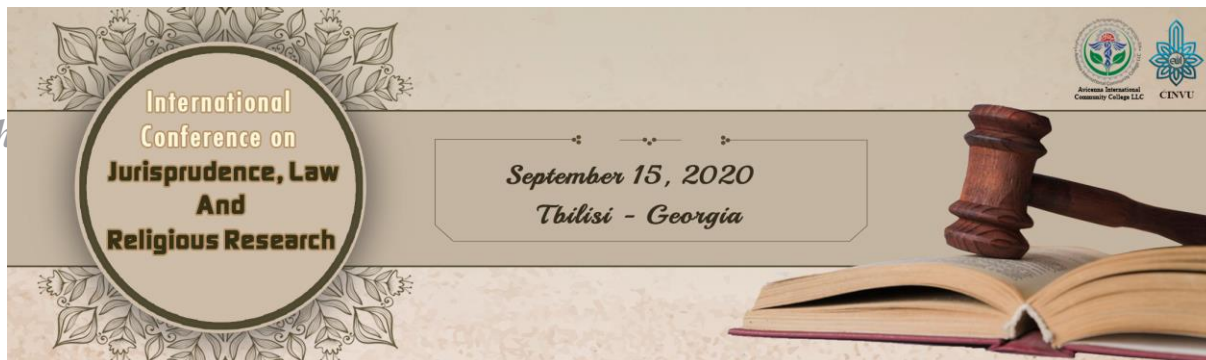
4. Existing good.

5. Future good.

۶. مشهور فقهای امامیه عین را آنچه «اذا وجد فی الخارج کان جسماً» به معنای آنچه که اگر در خارج یافت شود، جسم خواهد بود تعریف کرده‌اند (ر. ک خویباری، ۱۳۹۷).

7. Things (Goods).

8. Property.

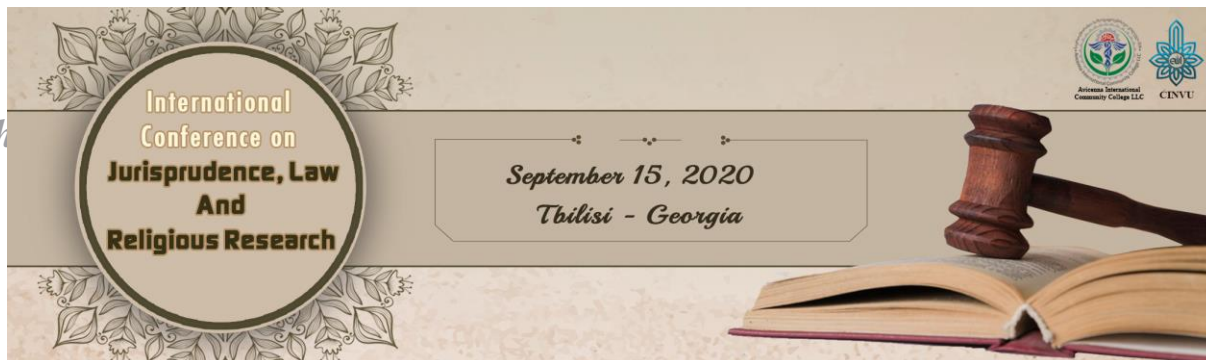


است؛ بلکه با مبانی حقوق ایران که ارتباط اشخاص با اموال را ملک و حق دانسته است نیز همخوانی ندارد (ماده ۲۹ قانون مدنی). برخی دیگر از حقوقدانان برای اثبات امکان رهن اموال فکری، این نوع مال را عین معین دانسته و با استناد به مفهوم عرفی مال مصادیق عین معین را به اموال فکری نیز توسعه داده‌اند (کریمی و اسلام، ۱۳۸۷). برخلاف آنچه گفته شد در حقوق کامن لا حقوقدانان و قضات تلاش می‌کنند تا به جای ارجاع رابطه با شیء، اموال فکری را حق فرد بر سایر افراد جامعه بدانند (Gordon, 2003). نکته قابل توجه در اندیشه کسانی که اموال فکری را عین می‌دانند؛ آن است که ایشان به دلیل عدم ارتباط اموال فکری با ذمه، این نوع از مال را صرفاً عین معین می‌دانند (خدمتگزار، ۱۳۹۰). به هر رو عدم تطابق مفهوم اموال فکری با ماهیت عین معین روشن به نظر می‌رسد؛ چراکه در فقه و حقوق همواره عین معین را جسم موجود در خارج می‌دانند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق و دینانی، ۱۳۶۵) و بدیهی است این تعریف شامل طیف گسترده‌ای از اموال ادبی و هنری نخواهد شد.

ب) منفعت بودن. مطابق با این نظر، انسان عین تلقی شده و کار او به عنوان منفعت فرض شده است. این منفعت ممکن است به شیوه فعالیت فکری بروز کرده و از آن رو که فعالیت فکری نتیجه کار آدمی بوده، نتیجه حاصله نیز متعلق به پدیدآورنده خواهد بود. این نظر آنجا قوی‌تر می‌شود که در برخی موارد کارفرمایی کسی را به خدمت می‌گیرد تا برای او مال فکری تولید کند؛ مثلاً استخدام چند نفر برای اختراع دارویی جدید (بند ۵ ماده ۵ قانون ثبت اختراعات) (پیلوار ب، ۱۳۹۴). نظریه منفعت انگاری اموال فکری نسبت به عین بودن این نوع اموال دارای مزایایی است؛ اما انتقادات زیادی نیز بر این نظر وارد است. مهمترین ایراد این نظریه نادیده گرفتن رابطه تکوینی انسان با منافع خود و رابطه اعتباری ایشان با نتیجه این منافع است. توضیح آنکه رابطه انسان با منافع خود از جنس اعتبار نبوده و خلق و اسقاط آن به اراده انشایی نیازمند نیست. این مهم را می‌توان از مواد ۱ و ۴ قانون حمایت مولفان، مصنفان و هنرمندان دید. در این قانون رابطه «پدیدآورنده» با مال فکری واجد دو جنبه مالی و غیرمالی بوده و جنبه اخیر آن غیرقابل سلب یا انتقال می‌باشد. این ویژگی با ماهیت حقوق تکوینی انطباق کامل دارد (نبویان، ۱۳۹۳). از طرف دیگر چنانچه اموال صنعتی و ادبی را به عنوان منفعت موضوع رابطه پدیدآورنده با مال بدانیم؛ باید همین نتیجه را در مورد میزهای متعلق به یک نجار که علی الاصول عین محسوب می‌شوند نیز پذیرفت. به نظر می‌رسد طرح منفعت بودن اموال فکری بیش از آنکه بیانگر ماهیت این نوع از اموال باشد؛ تحت تاثیر نظریه کار به عنوان توجیه کننده رابطه پدیدآورنده با اموال فکری است.

حقوقدانان و فلاسفه کامن لا معتقدند آنچه موجه رابطه انسان با اموال خویش، علی‌الخصوص اموال فکری است، کار و تلاش او برای ایجاد یک اثر اصیل است (Fisher, 2001). این نظریه بدون تردید ریشه در «نظریه کار»<sup>۹</sup>، متعلق به فیلسوف مطرح انگلیسی، جان لاک دارد (Locke, 1958). به این ترتیب به نظر می‌رسد نظریه اخیر به نوعی خلط بین مبنا و موضوع یا سبب با مسبب است. البته باید توجه داشت؛ این نظر به معنی انکار مالکیت منفعت نیست. برای مثال اگر شخصی دیگری را اجیر در دوختن لباس کند، هرچند مالک منافع آن فرد خواهد بود؛ اما اگر خیاط در حین خیاطی به

<sup>۹</sup>. Labour Theory.



تجربه‌ای دست پیدا کرد که منجر به تحولی در خیاطی شود به مستاجر تعلق نخواهد داشت. به همین ترتیب اگر مستاجر فرد را برای اختراع چیزی اجیر کند، هرچند در استفاده مالی از نتیجه فعل محق خواهد بود؛ اما به عنوان پدیدآورنده شناخته نخواهد شد. علاوه بر آنچه گفته شد در اجاره اشخاص، معمولاً آنچه مد نظر طرفین است تعهد به نتیجه بوده و نتیجه فعل اهمیت دارد؛ حال آنکه ممکن است محقق سالها روی پروژه‌ای فعالیت کند اما فعل او عقیم بماند.

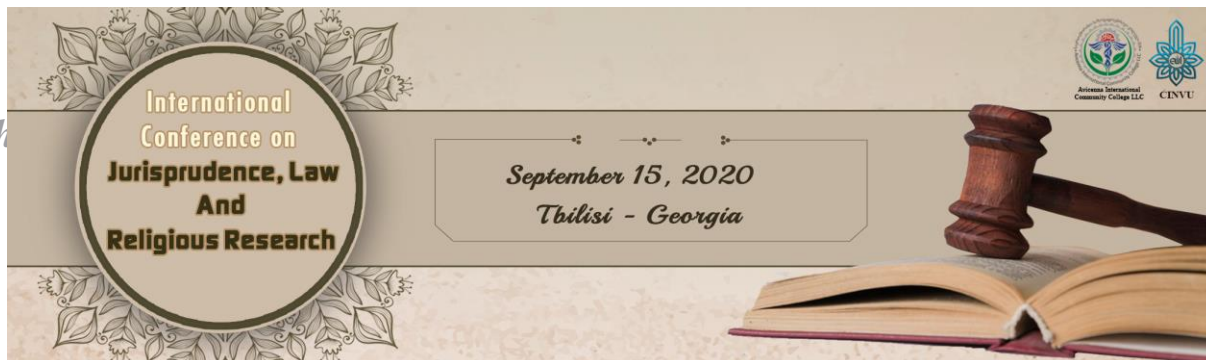
ج) حق بودن. بسیاری از حقوقدانان حق را در شمار اموال آورده‌اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸). فقهای امامیه نیز معمولاً در ابتدای بحث بیع و در تعریف مال و امکان جعل حق به عنوان عوض، مباحثی را پیرامون مال بودن حق مطرح نموده‌اند (انصاری، ۱۴۱۹ق) و بین ایشان در مالیت حق اختلاف نظر بسیاری وجود دارد. نکته قابل توجه آن است که بند دوم و سوم ماده ۲۹ قانون مدنی برخلاف نظر اغلب حقوقدانان، حق را به عنوان علاقه اشخاص با اموال ذکر کرده و به این ترتیب حق را موضوع رابطه ندانسته است. برای مثال در مورد حق انتفاع، آنچه مورد حق است عین معین و در مورد حق ارتفاق، ملک متعلق به دیگری. به این ترتیب آنان که امکان یا عدم امکان جعل حق به عنوان عوض در معاملات را سنجیده‌اند (الشریف، جعفری خسروآبادی، ۱۳۹۴)، بین حق به عنوان رابطه یا موضوع آن خلط کرده‌اند. بنابراین حق نمی‌تواند به عنوان موضوع، مورد معامله قرار گیرد. در عقود تملیکی همچون بیع نیز ذی‌حق نمی‌تواند حق خود را به دیگری تملیک نماید؛ چراکه رابطه او با مال از جنس حق بوده و قابل تملیک به دیگری نخواهد بود. علی‌رغم منطق حاکم بر نظر فوق، قانونگذار مدنی در برخی موارد از جمله ماده ۳۰۸، حق را به عنوان موضوع مطرح نموده که البته با توجه به نظر فقهای که موضوع غصب را «رابطه» می‌دانند (رشتی، ۱۳۸۹، ۱۶) قابل توجیه است.

د) وجود اعتباری. نظریه حاضر که در این نوشتار مورد تایید قرار گرفته است؛ نظریه مورد نظر حقوقدانان کامن لا نیز تلقی می‌شود (Chaudhari & Baliga, 2015). مطابق با این نظر اموال فکری موجودات اعتباری بوده که مخلوق ذهن پدیدآورنده به شمار می‌رود (WIPO, 2004). اعتبار مال در حقوق ایران و فقه امامیه بی سابقه نبوده و مهمترین نمونه آن اعتبار عین کلی در ذمه است. در تایید این نظر بسیاری از حقوقدانان معتقدند موضوع اموال فکری در مورد اختراعات «ایده» و در مورد اموال ادبی «بیان» می‌باشد (Wilson, 2002 & Brittin, 1978). به این ترتیب اموال فکری را نیز باید در زمره اموال اعتباری دانست. در این صورت ایراد عدم اختصاص استفاده به فرد معین مرتفع خواهد شد. به این معنی که هرچند تمامی افراد جامعه می‌توانند از شعر شاعر بهره‌مند شوند؛ اما این محصول فکری تنها توسط خالق آن قابل تبدیل شدن به پول خواهد بود و از همین رو می‌توان وجه مالی بودن شعر را منحصر به شاعر در نظر گرفت.

## ۲. علاقه اشخاص با اموال فکری

پرسش دیگری که در این نوشتار در پی پاسخ به آنیم، آن است که علاقه اشخاص با اموال فکری در حقوق ایران به چه نحو است؟ می‌دانیم که ماده ۲۹ قانون مدنی علاقه اشخاص با اموال را به دو گونه ملک و حق تقسیم بندی کرده و لاجرم رابطه اشخاص با اموال فکری باید در یکی از این دو قالب قرار گیرد. در حقوق کامن لا نیز رابطه<sup>۱۰</sup> اشخاص با اموال در

<sup>10</sup>. Title.



دو قالب مالکیت<sup>۱۱</sup> و حق<sup>۱۲</sup> تحلیل می‌شود (Murphy et all, 2004). ذکر این نکته مفید خواهد بود که تفکیک موضوع رابطه از خود رابطه، دستاوردی مربوط به قرن ۱۶ بوده و پیش از آن حقوقدانان و قضات رابطه و موضوع را یکسان می‌پنداشتند. در ادامه با توضیح مختصری راجع به ملک و حق، علاقه اشخاص با اموال فکری را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

## ۱.۲ حق

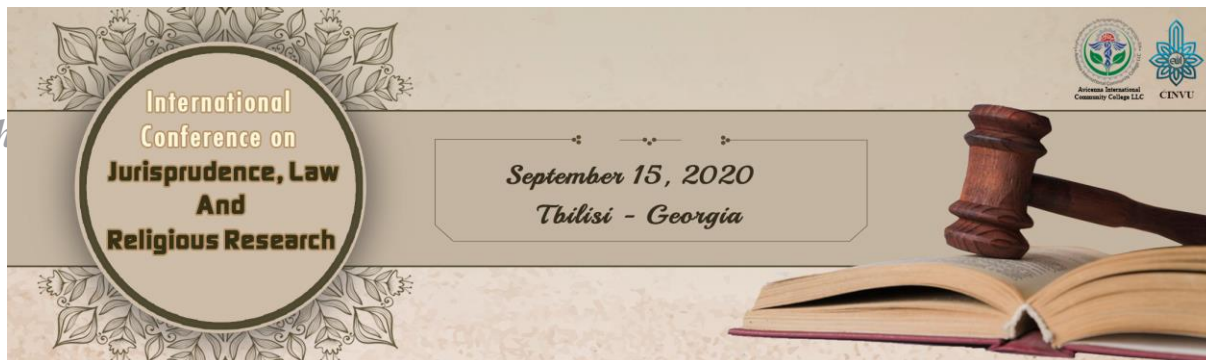
بسیاری از لغت‌شناسان، فلاسفه و فقها جهت تبیین و شناختن مفهوم حق تلاش کرده و تعاریف متفاوتی ارائه داده‌اند. در لسان العرب آمده است: «حق و باطل متناقض‌اند و جمع حق، حقوق و حقاق است و حق به معنای ثبوت می‌باشد» (ابن منظور، ۱۴۰۸ق). برخی حق را «امتیاز چیزی برای یک موجود یا اختصاص چیزی برای یک موجود» دانسته‌اند (نبویان، ۱۳۹۳). با وجود تشتت آراء در معنای حق، دانشمندان متفق‌اند حق دارای دو معنای ثبوتی و اثباتی می‌باشد که مورد اول به «حق بودن» و دومی به «حق داشتن» برمی‌گردد (فروغی، ۱۳۹۱). امروزه حق در دنیای حقوق، بیشتر به معنای اثباتی به کار می‌رود (دونلی، ۲۰۰۳)<sup>۱۳</sup>. رواج حق در معنای اثباتی باعث شده تا برخی اندیشمندان تصور کنند، مفهوم حق در طول زمان از «بودن» به «داشتن» تبدیل شده و این تطور را ناشی از غلبه اندیشه‌های خردگرایانه بر اندیشه‌های مذهبی پیشین بدانند. در پاسخ باید گفت حق در جنبه اخلاقی به معنای «حق بودن» و حق در جنبه قانونی در مقام اثبات و به معنای «حق داشتن» به کار می‌رود؛ فلذا تفاوت آن‌ها از آغاز در کاربرد آن‌ها بوده است (جوادی آملی، ۱۳۹۲).

در آثار فقهی، حق در بسیاری موارد در معنای اعم به کار رفته و شامل حکم، ملک و حق در معنای اخص می‌باشد (طهرانی، ۱۳۷۴). احکام را می‌توان به تکلیفی و وضعی تقسیم کرد و حکم وضعی را منقسم بر حق (در معنای اخص) و ملک دانست. البته گاهی اوقات حق را در برابر حکم به کار می‌برند که در آن صورت، مراد تنها حکم تکلیفی است. این یعنی حق در یک معنا مترادف حکم وضعی است (فروغی، ۱۳۹۱). در تبیین مفهوم و ماهیت حق دیدگاه‌های متفاوتی بین فقهای امامیه وجود دارد. برخی ملکیت را مفهومی مشکک پنداشته و حق را مرتبه‌ای ضعیف از آن دانسته‌اند (نائینی، ۱۴۲۲ق). عده‌ای حق را قسم سلطنت و قسیم ملک می‌دانند و قائل به ضعف حق نسبت به ملک در درجات سلطنت می‌باشند (محقق داماد، ۱۳۸۸). مرحوم غروی اصفهانی بدون ارائه ضابطه‌ای حق را مشترک لفظی دانسته که در هر مورد آثار مختص به خود را دارد (غروی اصفهانی، ۱۳۶۱). نهایتاً گروهی حق را مشترک معنوی و دارای ماهیت خاص می‌دانند که در انحاء مختلف آثار مختلف دارد (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق). نظر مشهور در فقه (انصاری، ۱۴۱۹ق) و رایج بین حقوقدانان (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸، ص ۲۱۶) آن است که مفهوم حق در برابر حکم، سلطه من له الحق بر موضوع حق و طرف حق بوده و از همین رو نیز دارای سه عنصر (من له الحق، موضوع حق و من علیه الحق) می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۴). در فقه امامیه همواره تلاش شده است تا آنجا که امکان دارد روابط از بین اشخاص به شخص و مال

<sup>11</sup>. Ownership.

<sup>12</sup>. Right.

<sup>13</sup>. Donnelly.



ارجاع شود. تدقیق در مصادیق ملک و حق نشان می‌دهد که در اغلب موارد آنجا که موضوع رابطه قائم به وجود اشخاص است، اصل بر آن است که رابطه از جنس حق و تعهد بوده و آنجا که قیام رابطه به وجود شخص و مال بستگی دارد؛ رابطه از جنس مالکیت است. البته آنچه گفته شد در مقام تاسیس اصل بوده و بدون تردید خلاف آن قابل اثبات می‌باشد. در موضوع محل بحث دلیلی وجود ندارد تا رابطه فرد با مال فکری را قائم به وجود سایر افراد جامعه بدانیم. از سوی دیگر بررسی دقیق ماهیت ملک نشان می‌دهد که اثبات رابطه مالکیت بین خالق با محصول فکری بیشتر قابل پذیرش است.

## ۲.۲ ملک

اطلاق، انحصار و دوام از اوصاف مالکیت است. مالک به واسطه این ویژگی‌ها می‌تواند از تمامی منافع اقتصادی مال بهره‌مند شود (امامی، ۱۳۸۹). در تعابیر فقهی نیز ملک به هر معنا موجب سلطه مالک بر هرگونه تصرف در مملوک می‌شود (بجنوردی، ۱۴۱۹ق). آنچه موضوع ملک قرار می‌گیرد مال است. عین خارجی، منفعت اعیان خارجی، کلی فی الذمه و کار انسان همه می‌تواند متعلق ملک واقع شود (نعمت‌اللهی، ۱۳۹۰). در حقوق فرانسه مورد اول و دوم را حق عینی می‌نامند. از خصوصیات ملک آن است که شخص مستقیماً با مال رابطه پیدا می‌کند. برخی گمان می‌کنند ملک و حق مانعاً الجمع نیستند (طباطبایی یزدی، ۱۳۷۸). برای مثال وقتی شخصی از دیگری عین کلی فی الذمه ای طلبکار است، هم مالک ما فی الذمه بدهکار است و هم در راستای تعیین کلی بر بدهکار حق دارد. این نظر دچار اشکال است؛ چراکه آنچه برای ما اهمیت دارد موضوع رابطه است. در رابطه فوق، مورد معامله عین کلی فی الذمه است و عین کلی از متعلقات ملک محسوب می‌گردد. در مالکیت ما فی الذمه، لزوم وجود شخصی غیر از دائن که مال در ذمه او قرار دارد، نشانگر آن نیست که مالکیت ما فی الذمه، رابطه بین دو شخص است؛ زیرا لزوم وجود مدیون به اعتبار ملک نیست بلکه به اعتبار دین است. دین از یک طرف به دائن و از طرف دیگر به مدیون رابطه دارد؛ اما در ملک، وجود شخص دیگری غیر از مالک ضرورت ندارد (خمینی، ۱۴۲۱ق). از گزاره فوق ضعف نظر آنانکه بیع مال کلی را معامله عهدی می‌دانند روشن می‌شود.

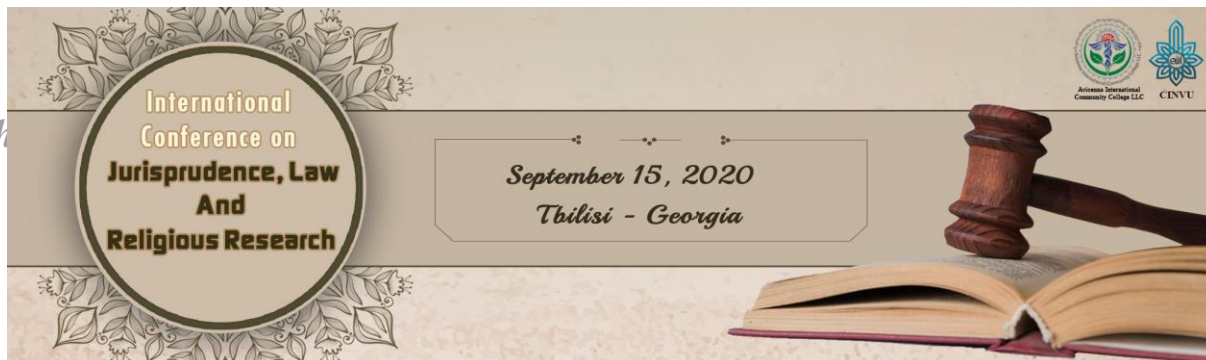
با توجه به آنچه گفته شد اموال فکری به نظر موجودات اعتباری هستند که توسط عقلای جامعه به عنوان مال شناخته شده و قانونگذار نیز بر وجود آن صحه گذارده است. ما در نوشتار حاضر در پی پاسخ به این پرسش خواهیم بود که رابطه اشخاص با اموال فکری از جنس حق است یا ملک؟ پاسخ این پرسش می‌تواند نتایج عملی بسیاری را به همراه داشته باشد. برای مثال یکی از مهمترین چالش‌ها در عقد بیع، امکان یا عدم امکان جعل اموال فکری به عنوان عوض است. بدیهی است در صورتی که رابطه اشخاص با اموال فکری را از جنس حق بدانیم؛ با توجه به اقتضای تملیکی بودن بیع، عوض قرار دادن آن ممکن نخواهد بود. در واقع اگر رابطه شخص با مال فکری را حق بدانیم، چگونه می‌توان به ذی‌حق اجازه داد تا آن را به دیگری تملیک نماید؛ مگر نه آن است که فاقد شیء (مالکیت) نمی‌تواند معطی آن باشد؟ این مهم را می‌توان به موضوعات سایر عقود تملیکی یا عهدی تعمیم داد. علاوه بر این ابزار اسقاط حق با ملک متفاوت بوده و از این رو جنس رابطه با اموال فکری اهمیت می‌یابد. همچنین تحلیل جنس رابطه بر چگونگی ایجاد آن بین شخص و مال





موثر خواهد بود. پاسخ به این پرسش‌ها می‌تواند در تبیین سوالات دیگری از جمله ۱. آیا صاحب اثر فکری تنها شخص حقیقی است؟ ۲. چرا جنبه مالی اموال فکری تنها تا ۵۰ سال پس از فوت جریان دارد؟ ۳. آیا می‌توان اشخاصی را برای ایجاد مال فکری اجیر نموده و فرد به تبع مالکیت بر فعل، پدیدآورنده تلقی شود؟ و البته این پرسش که ۴. اموال فکری به چه نحو مشمول ضمان قهری می‌شوند؛ موثر است. چنانچه رابطه را حق در نظر بگیریم؛ باید مطابق با نظر مشهور، سلطه‌ای را بر اشخاص ثالث جعل نماییم و اگر رابطه را مالکیت بدانیم؛ باید موارد تحصیل اموال فکری را در ماده ۱۴۰ قانون مدنی جستجو کنیم.

برخی از حقوقدانان با تفکیک آثار ادبی با اختراعات، سبب تملک نوع اول را حیازت مباحات و برای تملک نوع دوم، ثبت اثر را مطرح کرده‌اند (حبیب، شهبازی، ۱۳۹۶: ۴۶). به نظر می‌رسد ثبت اثر تنها شرط حمایت قانونگذار بوده و با توجه به احصای مذکور در ماده ۱۴۰ قانون مدنی نمی‌تواند به عنوان سبب مستقلی برای ایجاد رابطه مالکیت مورد بررسی قرار گیرد. معتقدین به نظریه ثبت بر این عقیده‌اند که موضوع حیازت تنها باید عین معین باشد و به همین دلیل آثار ادبی را نوعی شیء مشخص در نظر می‌گیرند (حبیب، شهبازی، ۱۳۹۶: ۴۱) ولی اختراعات را خارج از شمول قاعده حیازت می‌دانند. این در حالی است که دانستیم اموال فکری وجود انتزاعی صرف یا وجود خارجی نداشته و به نوعی اموال اعتباری محسوب می‌شود. علاوه بر این فقهای امامیه نیز موضوع قاعده حیازت را به فراخور مال مورد حیازت متنوع دانسته و آن را منحصر در مال خاصی نمی‌دانند (مکارم شیرازی، ۱۳۹۴: ۸۴۲). علاوه بر حیازت مباحات که به عنوان مبنای مالکیت در بسیاری از سیستم‌های حقوقی پذیرفته شده است؛ عقود و تعهدات را نیز می‌توان به عنوان اسباب تملک مطرح کرد. با پذیرش رابطه مالکیت اشخاص با اموال فکری، پیچیدگی خاصی در توجیه عقود به عنوان سبب تملک وجود نخواهد داشت. با این وجود در پذیرش تعهدات یا همان ضمان قهری به عنوان سبب تملک با چالشی بزرگ مواجه هستیم؛ چراکه اسباب ضمان قهری از قبیل غصب یا اتلاف، هر چند درباره منافع راهگشا هستند اما در مورد خود مال، با ابهامات بسیاری مواجهند. برای مثال چنانچه فردی باعث شود شاعری شعر خود را فراموش کند، در حالیکه شخص دیگری نیز آن را به ذهن نسپرد و جایی به چاپ نرسیده است؛ چگونه و از چه جهت ضامن مال خواهد بود؟ بدون تردید با روشن شدن جنس رابطه اشخاص با اموال فکری و ماهیت این اموال، پاسخ پرسش فوق روشن خواهد شد. علاوه بر موارد فوق، ارث را نیز می‌توان به اسباب تملک افزود. به این ترتیب می‌توان گفت ملک دانستن رابطه اشخاص با اموال فکری با ایراد جدی‌ای مواجه نخواهد بود؛ مگر آنکه گفته شود ارث جنبه مالی اموال فکری تا پنجاه سال مغایر وصف دائمی بودن مالکیت است. این ایراد اقبل رفع است؛ چراکه همانطور که گفته شد دائمی بودن، انحصار و اطلاق همه از اوصاف مالکیت و در واقع ناظر به مورد اغلب بوده و نه اقتضائات ذاتی آن. امروزه وجود حق برای دولت در دارایی و اموال افراد جامعه، همینطور حق ارتفاق قانونی برای حاکمیت، قواعدی از قبیل لاضرر در اصول ۴۰ و ۴۳ قانون اساسی مثال‌هایی است که می‌توان برای نقض اوصاف فوق در برخی موارد اشاره کرد. به علاوه وجود عقد اجاره در حقوق ایران نشان می‌دهد که موقت بودن با ذات مالکیت منافاتی ندارد.



در بین نظرات مربوط به سبب مالکیت نظریه حیازت مباحث به نظریه تصرف در حقوق فرانسه و نظریه کار در حقوق کامن لا بسیار نزدیک است. توضیح آنکه بسیاری از حقوقدانان مالکیت خصوصی را امری خلاف قاعده دانسته و اصل را بر مالکیت اشتراکی گذاشته‌اند. مواد ۱۰۹ و ۱۵۳ قانون مدنی نیز موید گرایش قانونگذار به همین نظر است. مطابق با نظریه کار خداوند زمین و هر آنچه در اوست را برای اعتلای انسان قرار داده و انسان می‌تواند با کار و تلاش، چیزی بر وجود اولیه اشیاء افزوده و آنها را تملک نماید (پیلوار، ۱۳۹۰). این نظر در مقابل نظریه تصرف صرف است که از نظر کانت می‌تواند مبنای تملک اشیاء قرار گیرد (کانت، ۱۳۹۵). به عقیده جان لاک اگرچه زمین و همه موجودات پست‌تر به طور اشتراکی متعلق به همه انسان‌هاست اما هر انسانی مالک شخص خویش و به تبع آن منافع خود است. به همین دلیل می‌توان گفت؛ ثمره کار و تلاش او نیز حداقل تا جایی که منابع را محدود به شخص خود نکند به خود او تعلق داشته و انسان‌های دیگر حقی نسبت به آن ندارند (Jeremy, 2002). این نظریه با مباحث مربوط به تحجیر و حیازت در حقوق ایران و فقه امامیه قابل انطباق است. به این ترتیب که تحجیر که موجد نوعی حق تقدم است (ماده ۱۴۲)؛ تابع نظریه تصرف و حیازت بیان دیگری از نظریه کار و موجد مالکیت است (پیلوار، ۱۳۹۳). موقت بودن زمان مالکیت وراثت بر جنبه مالی اموال فکری نشان دهنده این موضوع مهم است که خالق ایده و اثر در واقع فردی از افراد جامعه بوده و بدون تردید خلق مال فکری توسط او بدون ایستادن بر شانه پیشینیان و سایر اعضای جامعه امکان پذیر نبوده است؛ لذا منطقی به نظر می‌رسد که مالکیت اموال فکری به عنوان امتیازی موقت به خالق و خانواده او تعلق یافته و سپس به محمل اصلی خویش باز گردد.

### نتیجه گیری

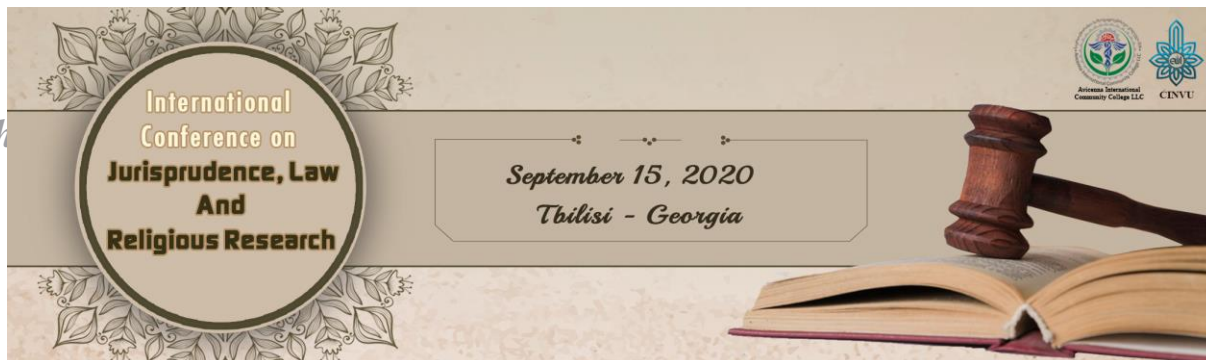
چنانچه مال را مفهومی اعتباری در نظر بگیریم، باید بپذیریم که اموال فکری حاصل تکامل دنیای اعتبارات است. پیدایش اموال فکری مباحث جدیدی را در علم حقوق مطرح کرد و مطالبی که پیشتر تنها واجد جنبه علمی و نظری بودند را وارد عرصه عملی این علم نمود. مهمترین این مطالب روشن شدن اهمیت تشخیص رابطه اشخاص با اموال پیرامون خویش است. از سوی دیگر تشخیص این رابطه بدون دریافت ماهیت اموال فکری امکان پذیر نیست. در این نوشتار با بررسی نظرات گوناگون دانستیم که اموال فکری مانند اعیان کلی در ذمه موجوداتی اعتباری هستند و رابطه اشخاص با آنها از نوع مالکیت است. به این ترتیب این نوع از اموال می‌توانند در عقود تملیکی موضوع معامله واقع شوند؛ مثلاً در عقد بیع به عنوان ثمن جعل شوند.

به نظر می‌رسد قانونگذار بتواند با بازبینی قوانین مربوط به اموال فکری از جمله قانون حمایت از حقوق مولفان، مصنفان، هنرمندان یا قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰/۴/۱ آیین نامه اصلاحی اجرای قانون ثبت علائم تجارتي و اختراعات مصوب ۱۳۳۷ و همینطور قانون طرح ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی، علائم و نام‌های تجاری به ماهیت اموال فکری و رابطه اشخاص با این اموال توجه ویژه نماید. در این صورت تبیین احکام مواردی از قبیل معامله این حقوق و همینطور نقض آنها ساده‌تر و البته مبتنی بر مبانی معلوم خواهد بود.



## منابع

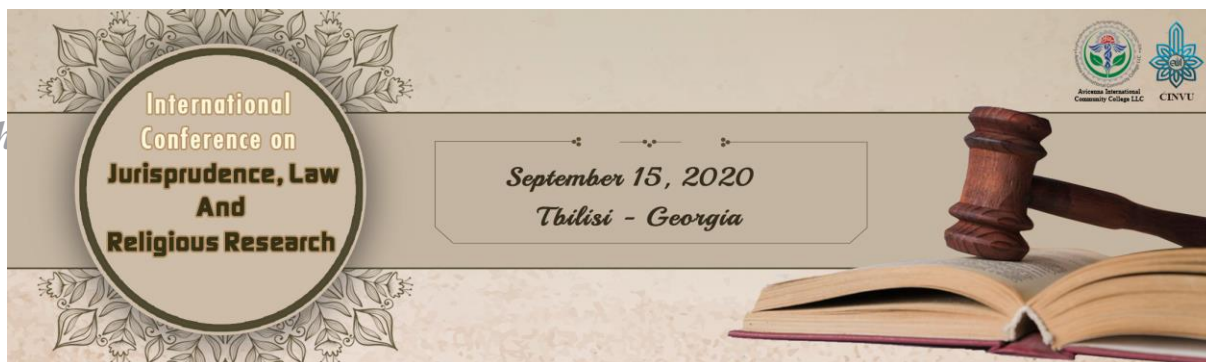
- ابن منظور، ۱۴۰۸ق، لسان العرب، ج ۳، چ ۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- امامی، حسن ۱۳۸۹، حقوق مدنی، ج ۱، چ ۶، تهران، اسلامیة.
- انصاری، مرتضی ۱۴۱۹ق، المکاسب، ج ۴، چ ۳، قم، هادی.
- پیلوار الف، رحیم، موضوع شناسی مالکیت فکری، فصلنامه دین و قانون، دوره ۳، شماره ۷، بهار ۱۳۹۴، صفحه ۱۸۵-۲۱۶.
- پیلوار ب، رحیم، مفهوم اموال فکری در حقوق اموال و جایگاه آن، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، دوره ۷، شماره ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۹۴، صفحه ۷-۴۰.
- پیلوار، رحیم، نظریه کار به عنوان مبنای مالکیت در حقوق اسلام و فلسفه جان لاک، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، دوره ۳، شماره ۵ پاییز و زمستان ۱۳۹۱، صفحه ۶۳-۸۵.
- پیلوار، رحیم، ۱۳۹۳، فلسفه حق مالکیت، چ ۱، تهران، میزان.
- پیلوار، رحیم، تبارشناسی مال: مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام و غرب، پژوهش نامه حقوق اسلامی، دوره ۱۹، شماره ۴۷، بهار و تابستان ۱۳۹۷، صفحه ۱۸۱-۲۰۸.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۸۸، اموال، چ ۲، تهران، گنج دانش.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۶۸، ترمینولوژی حقوق، چ ۱، تهران، کتابخانه گنج دانش.
- جوادی آملی، عبدالله ۱۳۹۲، حق و تکلیف در اسلام، چ ۱، قم، مرکز نشر اسراء.
- حبیب، سعید، شهبازی، مسعود، رویکرد نظری به اسباب تملک آثار فکری، حقوق خصوصی، دوره ۱۴، شماره ۱، بهار ۱۳۹۶، صفحه ۲۷-۴۹.
- خدمتگزار، محسن، ۱۳۹۰، فلسفه مالکیت فکری، چ ۱، تهران، میزان.
- خمینی، روح الله، ۱۳۸۵، تحریر الوسیله، ترجمه موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چ ۲، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی، مصطفی، ۱۴۲۱ق، کتاب البیع، ج ۱، چ ۳، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خویاری، حامد، بررسی تغایر مفاهیم «عین»، «منفعت» و «نفع» در فقه امامیه و حقوق ایران، مطالعات فقه اسلامی و مطالعات حقوق، دوره ۱۲، شماره ۳۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، ۱۱۱-۱۳۳.
- خویی، ابولقاسم، ۱۳۷۷ق، مصباح الفقاهة، ج ۲، چ ۱، قم، داوری.
- دینانی، غلامحسین، ۱۳۶۵، قواعد کلی در فلسفه اسلامی، چ ۲، چ ۱، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- رشتی، حبیب الله، ۱۳۱۶ق، التعلیقہ علی مکاسب الشیخ الانصاری، چ ۱، قم، مجمع الذخائر الاسلامیه.
- رشتی، میرزا حبیب الله، ۱۳۸۹، کتاب الغصب، به تصحیح حسن قاسمی، چ ۱، تهران، مدرسه عالی شهید مطهری.
- الشریف، محمد مهدی، جعفری خسروآبادی، نصرالله، چالش های نظری بیع حق (تأملی بر امکان وقوع حق به عنوان مبیع یا ثمن در بیع)، مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ۷، شماره ۲ تابستان ۱۳۹۴، صفحه ۱-۲۶.



- شیروی، عبدالحسین، پنداشته‌پور، محمدرضا، عامل ارتباط در شناسایی قانون حاکم بر قراردادهای اموال فکری، حقوق خصوصی، دوره ۱۲، شماره ۱ بهار و تابستان ۱۳۹۴، صفحه ۱-۳۱.
- صالحی ذهابی، جمال، ۱۳۸۸، حق اختراع (نگرش تطبیقی)، چ ۱، تهران، سهامی انتشار.
- صدر، محمد باقر، حواله، فقه اهل بیت، شماره ۲۱، بهار ۱۳۷۹، صفحه ۳-۱۷.
- طباطبایی یزدی، محمد کاظم بن عبدالعظیم، ۱۳۷۸، العروه الوثقی (حاشیه مکاسب)، ج ۱، چ ۱، قم، موسسه اسماعیلیان.
- طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۸۶، نه‌ایه الحکمه، چ ۲، قم، مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- طباطبائی، محمدحسین، ۱۴۱۷ق، نه‌ایه الحکمه، چ ۱، قم، چاپ عباس علی زارعی سبزواری.
- طهرانی، محمدهادی، رساله حق و حکم، تصحیح نعمت‌الله صفری، نامه مفید، دوره ۴، شماره ۱، تابستان ۱۳۷۴، صفحه ۱-۱۹.
- عاملی، محمد بن مکی، ۱۴۰۰ق، القواعد و الفوائد، به تصحیح عبدالهادی حکیم، چ ۵، قم، کتابفروشی مفید.
- غروی اصفهانی، محمدحسین، ۱۳۶۱، رساله فی تحقیق الحق و الحکم، ج ۱، چ ۱، قم، انوار الهدی.
- فروغی، علیرضا، آثار و ویژگی‌های حق از دیدگاه فقه امامیه و قانون مدنی، دانش حقوق مدنی، دوره ۱، شماره ۱ بهار و تابستان ۱۳۹۱، صفحه ۱-۱۴.
- کاتوزیان، امیرناصر، ۱۳۸۴، اموال و مالکیت، چ ۶، تهران، میزان.
- کانت، امانوئل، ۱۳۹۵، کانت، فلسفه حقوق، ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی، چ ۱، تهران، نقش و نگار.
- کریمی، عباس، اسلام، محمد معین، رهن اموال فکری، مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۳۸، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۷، صفحه ۳۱۵-۳۲۴.
- محقق داماد، مصطفی، ۱۳۸۸، نظریه عمومی شروط و التزامات در حقوق اسلامی، چ ۱، تهران، مرکز نشر علوم انسانی.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۹۴، قواعد فقه، ترجمه محمد جواد نوری همدانی، چ ۱، قم، امام علی (ع).
- موسوی بجنوردی، محمد، ۱۴۱۹ق، قواعد فقهیه، ج ۱، چ ۱، تهران، انتشارات مجد.
- میرحسینی، حسن، ۱۳۹۱، مقدمه بر حقوق مالکیت معنوی، چ ۱، تهران، میزان.
- نائینی، میرزا محمدحسین، ۱۴۲۲ق، منیه الطالب، ج ۱، چ ۱، تهران، المکتب المحمدیه.
- نبویان، سید محمود، معنا و لوازم حق تکوینی و حق اعتباری، آیین حکمت، سال ۶، شماره ۲۱، پاییز ۱۳۹۳، صفحه ۱۵۳-۱۸۳.
- نعمت‌اللهی، اسماعیل، تحلیل فقهی حق عینی و حق دینی و مفاهیم مرتبط، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، دوره ۲، شماره ۳ پاییز و زمستان ۱۳۹۰، صفحه ۱۰۹-۱۳۲.

### منابع خارجی

- Black's Law Dictionary (2004), Edit by Bryan A. Garner, 9<sup>th</sup> Ed.
- Brittin, Michael. D, (1978), Constitutional fair use, *William & Mary Law Review*, 20(1), 85-123.



- Carlyle, A.J. (1913), *Property: Its Duties and Rights*, London: Macmillan.
- Chaudhari, Nehaa, Baliga, Varun (2015), *Intellectual property rights*, Paris, United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization.
- Demsetza, Harold, Villalongab, Belén (2001), Ownership Structure and Corporate Performance, *Journal of Corporate Finance*, 3(7), 209-233.
- Donnelly, Jack (2003), *Universal Human Rights in Theory and Practice*, London, Cornell University Press.
- Fisher, William (2001), *Theories of Intellectual Property*, New Essays in the Legal and Political Theory of Property, Cambridge, Cambridge University Press.
- Gordon, Wendy. J (2003), *The Oxford Handbook Of Legal Studies*, New York, Oxford University Press.
- Harris, J.W (1996), *Property and justice*, New York, Oxford University Press.
- Hettinger, Edwin C. (1989), Justifying Intellectual Property, *Philosophy and Public Affairs*, 1(18), 31- 52.
- Lefevre, Robert (1971), *The philosophy of Ownership*, Netherland, Ludwig von Mises Institute.
- Locke, John (1958), *Two treatise of government*, Edited with an introduction by T. I Cook, London, Hafner press.
- Murphy, Tim, Roberts, Simon, Flessas, Tatiana (2004), *Understanding Property Law*, London, Sweet & Maxwell.
- Waldron, Jeremy (2002), *The right to private property*, Michigan, Clarendon Press.
- Wilson, Stephen (2002), *Information arts, intersections of art, science , and technology*, London, MIT Press.
- WIPO a (World Intellectual Property Organization) (2004), *Intellectual Property Handbook*, Geneva, chemin des Colombettes.
- WIPO a (World Intellectual Property Organization) (2016), *Understanding Industrial Property*, Geneva, chemin des Colombettes.